Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

Language Related Research
E-ISSN: 2383-0816
https://lrr.modares.ac.ir

Tarbiat Modares University

Vol. 11, No. 6, Tome 60
pp. 383-418
February & March
2021

Investigating and Analyzing the Application of Text Worlds Theory on Aestheic Aspects of Persian Poetry (Case Study: One saadi's Sonnet and one Nima's Free Verse Poem)

Reza Refaee Ghadimi Mashhad[1] & *Gholamhosein Gholamhoseinzade*[2]*

Received: 6 July 2019
Received in revised form: 28 August 2019
Accepted: 3 December 2019

Abstract

Cognitive poetics as one of the new branches of cognitive science, provides appropriate tools for analyzing the text for the literay critics. The theory of text worlds is one of these tools and is useful in analyzing the textual space. In this study the authors seek to analyze the function of this theory in representing the world of constructed text in Persian poetry. To this goal, the authors analyzed a sonnets of Saadi and a free verse poem of Nima, and examined the function of the theory of the text worlds. The results of this study indicate that this theory is more suitable for the analysis of free verse poetry, and in classical poetry, especially the liryc poetry, there are obstacles due to the inherent limitations of this kind of poetry. To solve the problems of classical poetry analysis, the authors have presented solutions using the theory of text worlds.

***Keywords*:** cognitive poetics, text worlds, sa'di, Nima Yushij

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. PhD Candidate in Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran;
ORCID ID: https://orcid.org/0000-0002-0854-1050
2. Corresponding author, Professor of Persian Language and Literature, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran; *Email:* gholamho@modares.ac.ir;
ORCID ID: https://orcid.org/0000-0002-8826-016X

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

1. Introduction

Cognitive poetics as one of the new branches of cognitive science, provides appropriate tools for analyzing the text for the literary critics. The theory of text worlds is one of these tools and is useful in analyzing the textual space. Our purpose in this study is to analyze the function of this theory in representing the world of constructed text in Persian poetry. To this goal, we analyzed a sonnets of Saadi and a free verse poem of Nima, and examined the function of the theory of the text worlds. The results of this study indicate that this theory is more suitable for the analysis of free verse poetry, and in classical poetry, especially the lyric poetry, there are obstacles due to the inherent limitations of this kind of poetry. To solve the problems of classical poetry analysis, we have presented solutions using the theory of text worlds.

The article can be elaborated in more detail: Text world theory is one of the tools of cognitive poetics that provides the reader with the ability to carefully examine the components of a text. This theory has a coherent method for modern literary analysis because it explores internal elements and then analyzes the evolution of text discourses. The present research has demonstrated in practice that this theory is a tool for accessing discourse and the constituent elements of Persian poetic texts. An important point that the interpreter must consider in analyzing the text world of classical poetry is to pay attention to the elements of discourse and not to examine grammatical sentences.

In the analysis of poetry, this theory, more than anything else, deals with the context of the text and the explanation of the textual elements of the poem, and does not have the special ability to examine the rhetorical elements of the text. At the same time, in the course of our research, we have shown that despite the limitations of this theory in dealing with the rhetorical elements of the text, the rhetorical simile can be explored in sub-worlds of text. The inherent limitations of classical Persian poetry, such as the lack of narration and the lack of vertical focus in many poems, as well as the necessity of weight and the existence of rhyme and line, cause this theory to

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

generally face limitations in dealing with classical poetry. With the application of several guidelines, this theory can be applied to classical Persian poetry. This theory is well-suited to criticism in modern poetry because of its greater narrative and lack of limitations on classical poetry.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

دوماهنامهٔ علمی- پژوهشی
د۱۱، ش٦ (پیاپی ٦٠) بهمن و اسفند ۱۳۹۹، صص۳۸۳-٤۱۸

بررسی و تحلیل کارکرد نظریهٔ جهان‌های متن در تحلیل زیبایی‌شناسانهٔ شعر فارسی (مطالعهٔ موردی: یک غزل از سعدی و یک شعر آزاد از نیما یوشیج)*

رضا رفایی قدیمی مشهد[۱]، غلامحسین غلامحسین‌زاده[۲]*

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت: ۹۸/۰٤/۱۵ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۲

چکیده

زیبایی‌شناسی شناختی به‌مثابهٔ یکی از شاخه‌های نوین علوم‌شناختی، ابزارهای متفاوتی برای تحلیل متن در اختیار منتقد قرار می‌دهد. هدف نگارندگان در پژوهش حاضر، بررسی کارکرد نظریهٔ جهان‌های متن، به‌مثابهٔ یکی از ابزارهای زیبایی‌شناسی شناختی در تحلیل شعر فارسی است. نظریهٔ جهان‌های متن ابزارهایی ویژه را برای بررسی عناصر اصلی متن در اختیار منتقد قرار می‌دهد و در عین حال، در تحلیل شعر فارسی با محدودیت‌هایی مواجه است. در این پژوهش برای نیل به هدف، یک غزل از سعدی و یک شعر آزاد نیمایی را تحلیل و کارکرد نظریهٔ جهان‌های متن را در آن‌ها بررسی کرده‌ایم. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این نظریه برای تحلیل شعر نو، ابزار مناسب‌تری است و در شعر کلاسیک، خصوصاً شعر غنایی، به‌دلیل محدودیت‌های ذاتی این نوع شعر و نیز عدم روشنی سیر اندیشه، با موانعی مواجه است.

واژه‌های کلیدی: زیبایی‌شناسی شناختی، جهان‌های متن، سعدی، نیما یوشیج.

نویسندهٔ مسئول مقاله: E-mail: gholamho@modares.ac.ir

* این مقاله با حمایت صندوق حمایت از پژوهشگران (INSF) تدوین شده است.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

۱. مقدمه

تفسیرهای ادبی، همواره بر پایهٔ تمرکز بر یکی از سه عنصر مؤلف، متن و خواننده پدید می‌آیند و از این رو، در قالب‌ها و عنوان‌های مختلف نقد ادبی دسته‌بندی می‌شوند. تفسیرهای مؤلف‌محور، مؤلف را به‌مثابهٔ سازندهٔ متن کانون توجه قرار می‌دهند و ابعاد مختلف ایدئولوژیک و سبک‌شناسانه را با تمرکز بر این عنصر واکاوی می‌کنند. تفسیرهای خواننده‌محور بر صائب بودن آرای مختلف خوانندگان مختلف متمرکز هستند و تفسیرهای متن‌محور، متن ادبی را اساس قرار می‌دهند و جنبه‌های مختلف آن را بررسی و تحلیل می‌کنند. یکی از ابزارهای متأخر برای تحلیل‌های متن‌محور، نظریهٔ جهان‌های متن است که با تحلیلی شناختی، متن را از جهت گفتمان و عناصر سازندهٔ متن واکاوی می‌کند. این نظریه، از حیث واکاوی عناصر سازندهٔ متن ابزارهای مناسبی را برای رمان و متون داستانی فراهم می‌آورد. چالش اساسی دربارهٔ این نظریه ـ که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود ـ شیوهٔ کارکرد آن در رویارویی با شعر فارسی است. نظریهٔ جهان‌های متن در تحلیل شعر کلاسیک و نو فارسی کارکرد یکسانی ندارد و از این رو، کیفیت کارکرد آن در شعر کلاسیک و نو متفاوت است. این نظریه در شعر کلاسیک با محدودیت‌هایی مواجه است و در شعر نو، این محدودیت‌ها وجود ندارد. بررسی کیفیت کارکرد این نظریه در شعر کلاسیک و نو و نیز بررسی دلایل محدودیت‌هایش در شعر، دو مسئلهٔ اساسی است که نگارندگان تلاش کرده‌اند در این پژوهش به آن‌ها پاسخ دهند. به این منظور، دو پرسش اساسی پیش روی ما قرار دارد که تلاش می‌کنیم با پاسخ‌گویی به آن‌ها به هدف خود در این پژوهش نائل آییم:

۱. نظریهٔ جهان‌های متن چگونه و با چه کیفیتی با شعر فارسی مواجه می‌شود؟

۲. کارکردهای نظریهٔ جهان‌های متن در رویارویی با هر یک از انواع شعر کلاسیک و نو فارسی چیست؟

رویکرد انجام این پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی است و به بررسی و تحلیل کارکرد نظریهٔ جهان‌های متن در تحلیل شعر فارسی می‌پردازد. به این منظور، یک غزل از سعدی به‌مثابهٔ نمونه‌ای از شعر کلاسیک غنایی و یک قطعه شعر آزاد نیما به‌مثابهٔ نمونهٔ شعر نو، آزمایش خواهند شد تا کارکردهای نظریهٔ جهان‌های متن در هر یک از آن‌ها مشخص شود. منابع پژوهش حاضر، به شیوهٔ کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

۲. پیشینهٔ پژوهش

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفتهٔ پیشین در باب نظریهٔ جهان‌های متن، مشخص می‌شود که اندک پژوهش‌های صورت‌گرفتهٔ فارسی، در حوزهٔ کارکرد این نظریه، در نثر و رمان بوده است و دربارهٔ کاربرد آن در شعر فارسی هیچ پژوهش مستقلی انجام نشده است. در پژوهش حاضر، کارکرد این نظریه و مزایا و ضعف‌های آن در تحلیل شعر فارسی تحلیل خواهد شد و این نکات، پژوهش حاضر را از مطالعات و تحقیقات پیشین متمایز می‌کند.

پژوهش‌های صورت‌پذیرفته در حوزهٔ جهان‌های متن در دو دستهٔ کتاب‌ها و مقالات جای می‌گیرند:

کتاب‌ها:

- نخستین اثری که در آن از جهان‌های متن سخن گفته شده، کتاب *Language And World Creation In Poems And Other Texts* اثر النا سمینو[۱] است که ویرایش نخست آن در سال ۱۹۹۷ و ویرایش جدید آن در سال ۲۰۱٤ منتشر شده است.

- دومین اثر در حوزهٔ جهان‌های متن، کتاب *Text Worlds: Representing conceptual space in discourse* اثر پائول ورث[۲] است که در سال ۱۹۹۹ منتشر شده و شالودهٔ نظریهٔ جهان‌متن را تشکیل می‌دهد.

- کتاب *cognitive poetic: an introduction* اثر پیتر استاکول[۳] مهم‌ترین اثری است که جنبه‌های مفید این نظریه را در مطالعات ادبی بررسیده است. این کتاب در سال ۲۰۰۲ چاپ شده است.

ـ کتاب مهم دیگر و آخرین اثری که به‌صورت مستقل در باب نظریهٔ جهان‌های متن نگارش شده، *text worlds theory: an introduction* اثر جوانا گاوینز[٤] است که در سال ۲۰۰۷ چاپ شده است.

ـ استاکول در بخش‌هایی ازکتاب *Texture: A Cognitive Aesthetics of Reading* نظریهٔ جهان‌های متن را در تحلیل‌های ادبی بسط داده است. این کتاب در سال ۲۰۰۹ چاپ شده است.

مقالات:

ـ صادقی (۱۳۸۹) عناصر جهان متن را در کتاب مورد بحث بررسی کرده و نتیجه گرفته

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

است که: جهان‌های زیرشمول به ساخت روایت داستانی با استفاده از فعال‌سازی داستان‌های زیرساختی می‌انجامد که مشخصهٔ اصلی آثار نجدی است.

ـ گلفام و همکاران (۱۳۹۳) در مقالهٔ «کاربرد نظریهٔ جهان متن در شناسایی عناصر سازندهٔ متن روایی داستان شازده احتجاب؛ بر مبنای رویکرد شعرشناسی شناختی» چاپ‌شده در نشریهٔ ***جستارهای زبانی***، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۵، صص ۱۸۳ ـ ۲۰۶، بخش‌هایی از رمان *شازده احتجاب* را بر مبنای نظریهٔ جهان‌های متن بررسی کرده‌اند.

ـ رستار (۱۳۹٤) سیر نظریهٔ جهان متن و تکوین آن و نیز، ویژگی‌های اصلی آن را بازگو کرده است.

ـ افراشی (۱۳۹۵)، متن کتاب ***وداع*** را از منظر نظریهٔ جهان‌های متن بررسی کرده و با تأکید بر بررسی زیرجهان‌های فرعی متن، چنین نتیجه گرفته است که داستان «وداع» متضمن لایه‌های عمیق معناست که به‌وسیلهٔ نشانه‌های مشخصِ متنی قابل دستیابی‌اند.

۳. مبانی نظری

۳ ـ ۱. زبان‌شناسی و زیبایی‌شناسی شناختی[۵]

اخیراً، پژوهشگران به زبان‌شناسی شناختی[۶] به‌مثابهٔ یکی از مهم‌ترین نحله‌های بررسی علمی زبان، توجه بسیاری نشان داده‌اند. با توجه به واژهٔ کلیدی «شناخت» در این رویکرد از مطالعهٔ زبان، طبعاً مطالعات زبانی پژوهشگران این حوزه نیز، با تکیه بر ذهن و مغز و کارکردهای آن صورت می‌پذیرد. البته، باید توجه داشت که زبان‌شناسی شناختی یک نظریهٔ واحد و منسجم نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای زبانی است که در پیش‌فرض‌های زیربنایی در باب ماهیت زبان با یکدیگر شریک هستند (اونگرر و اشمیت، ۱۳۹۷: ٤٤۹).

این رویکرد مطالعهٔ زبان، در قرن بیستم و در تقابل با زبان‌شناسی زایشی[۷] چامسکی[۸] پدید آمد. تفاوت بنیادین زبان‌شناسی شناختی با زبان‌شناسی زایشی، به چگونگی پردازش معنا معطوف است:

> ویژگی عمده‌ای که زبان‌شناسی شناختی را از دستور زایشی متمایز می‌سازد، جایگاه معنی در نظریه است. در مدل زایشی، ساختار عبارت‌های زبان بر حسب یک نظام قواعد صوری تعیین می‌شود که عمدتاً مستقل از معنا هستند. برعکس، شناختی‌ها استدلال

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

می‌کنند که ساختار زبان، بازتاب مستقیم شناخت به این مفهوم است که هر عبارت زبانی خاص، وابسته به شیوهٔ خاص مفهوم‌سازی یک موقعیت معین است (لی، ۱۳۹۷: ۱۱).

شاید بتوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز زبان‌شناسی شناختی را رونالد لانگاکر[۹] دانست که در سال‌های ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱ میلادی، مبانی دستورشناختی را وضع کرد و پس از آن، زبان‌شناسی شناختی، به‌تدریج به جایگاه مهم و مستحکمی در میان زبان‌پژوهان دست یافت (برای کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ تفاوت زبان‌شناسی شناختی با سایر مکتب‌های زبان‌شناسی ر.ک: راسخ‌مهند، ۱۳۹٦: ١٤ ـ ١٦).

همچنین، در زبان‌شناسی شناختی، به بدن‌مندی زبان تأکید می‌شود:

تمام رویکردهای شناختی برای مطالعهٔ زبان و گفتمان، بر پایهٔ این فرض اساسی که ذهن و جسم به‌طور جدی پیوند دارند، پایه‌ریزی می‌شوند. برخی از شواهد مهم برای این پیوند (پیوند ذهن و بدن) را می‌توان در زبانی که ما برای بیان موقعیتمان در جهان و روابطمان با اشیا و اشخاص اطرافمان تولید می‌کنیم، یافت (Gavins, 2007: 36).

بنابراین، بسیاری از مقولات حوزهٔ زبان‌شناسی شناختی، در ارتباط با بدن انسان ـ که یکی از اولین شاکله‌های شناختی او است ـ مطرح می‌شود.

زیبایی‌شناسی شناختی را می‌توان ابزار مطالعهٔ متن ادبی با تکیه بر بافت[۱۰] و مقولات ذهنی تعریف کرد. ابزارهای این رویکرد مطالعهٔ متن ادبی، مبتنی بر داده‌های زبان‌شناسی و روان‌شناسی شناختی است و از اواخر قرن بیستم در مطالعات ادبی به‌کار گرفته شده است. نخستین تلاش‌ها در تدوین نظریات زیبایی‌شناسی شناختی، از سوی لیکاف[۱۱] و جانسون[۱۲] صورت پذیرفت و سپس، ریون تسر[۱۳] برای نخستین‌بار نظریهٔ زیبایی‌شناسی شناختی را مطرح کرد. تسر دو مبنای اصلی در زیبایی‌شناسی شناختی را چنین برمی‌شمارد:

۱. کیفیت درک یک متن از مجموع ساختار آن و فرایندهای ذهنی خواننده منتج می‌شود.

۲. این مدل توضیحی (زیبایی‌شناسی شناختی) باید برای تأثرات متفاوت خوانندگان مختلف، نتیجه‌بخش باشد (Tsur, 2008: 28).

این دو مبنا که تسر مطرح می‌کند، دو ویژگی زیبایی‌شناسی را آشکار می‌سازد: اول اینکه این رویکرد، بر هر سه ضلع مثلث مؤلف، متن و خواننده توجه دارد. باید توجه داشت که اگرچه در این مبانی، از مؤلف نامی به میان نیامده است؛ اما زیبایی‌شناسی شناختی اساساً

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

متن را برون‌داد ذهنی مؤلف درنظر می‌گیرد و چنین نیست که متن را پدیده‌ای جدا از مؤلف به‌شمار آوَرَد. دوم اینکه، در مبنای دوم که بخشی از آن بر مبنای اول بنا شده است، تسر تصریح می‌کند که زیبایی‌شناسی شناختی، برای خوانندهٔ ادبی و تأثیرات دریافتی هر خواننده، اهمیت بسیاری قائل است و برای تفسیرها و دریافت‌های گوناگون، به‌شرطی که با ساختار و بافت متن منافاتی نداشته باشد (بنا بر فرضیهٔ اول) کاربردی و مفید خواهد بود.

پس از تسر، استاک‌ول این نظریهٔ را در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۹ میلادی گسترش داد. او معتقد است که زیبایی‌شناسی شناختی، ابزارهایی را برای دست‌یابی به متن و بافت، به‌مثابهٔ کلید دست‌یابی به فهم جایگاه، ارزش و معنای ادبی فراهم می‌آورد (stockwell, 2002: 4).

این شیوهٔ رویارویی با متن، از ابزارهای مختلفی برای تحلیل ذهن نویسنده، مفسر و خود متن ادبی استفاده می‌کند که هر یک از این ابزارها، به نحوی خاص با اثر ادبی مواجه می‌شوند و ابعاد متفاوتی از متن و ذهن نویسنده و خواننده را بررسی می‌کنند[۱۴].

۳ـ۲. نظریهٔ جهان‌های متن[۱۵]

نظریهٔ جهان‌های متن یکی از مهم‌ترین ابزارهای زیبایی‌شناسی شناختی است که در تحلیل متون، ازجمله متون ادبی سودمند است و بنیان‌های آن در اواخر سدهٔ بیستم میلادی نهاده شده است. همان‌گونه که در پیشینه ذکر شد، با وجود اینکه برخی پژوهشگران پائول ورث را مُبدع و نظریه‌پرداز اصلی این نظریه می‌دانند (ر.ک: صادقی، افراشی و رستار، در بخش پیشینهٔ پژوهش)، نخستین نظریه‌پرداز این حوزه، النا سمینو است. سمینو دو سال پیش از ورث، در سال ۱۹۹۷ در کتابش از جهان‌های متن سخن گفته است و بنابراین، حق این است که او را نخستین نظریه‌پرداز این حوزه به‌شمار آوریم.

نظریهٔ جهان‌های متن ابزاری شناختی است که ابتنای آن بر گفتمان و اجزای سازندهٔ متن است. پائول ورث، گفتمان را تلاشی آگاهانه از سوی مؤلف و مخاطب در نظر می‌گیرد که به جهانی مشترک بدل می‌شود. در این جهان، گزاره‌ها گسترش می‌یابند، انسجام می‌یابند و به ساخت معنا منجر می‌شوند (werth, 1999: 95، به‌نقل از گلفام و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۷).

نظریهٔ جهان‌های متن، ابزاری شناختی برای مطالعهٔ متون است:

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

نظریهٔ جهان‌های متن، یک ابزار پردازش زبان انسانی است که بر مبنای مفهوم بازنمایی ذهنی مطرح شده در روان‌شناسی شناختی ساخته شده است و اصول تجربی را در زبان‌شناسی شناختی به اشتراک می‌گذارد (Gavins, 2007: 8).

در نظریهٔ جهان متن، ما با سه مقولهٔ اساسی روبه‌رو هستیم: جهان گفتمان، جهان متن و زیرجهان‌ها:

جهان گفتمان: اولین لایه از جهان متن، جهان گفتمان است. یک جهان گفتمانی، رویدادی زبانی است که شامل حداقل دو شرکت‌کننده[۱٦] است. منظور از مشارکان جهان متن، کنشگرها و کنش‌پذیرهایی هستند که وصف می‌شوند، اسنادپذیرند، با یکدیگر سخن می‌گویند. مصادیق مشارکان گفتمانی را می‌توان: دو نفر در حال گفت‌وگو (شخصیت‌های درون متن)، نویسندهٔ نامه و دریافت‌کنندهٔ آن یا مؤلف و خواننده، دانست.

عوامل مؤثر در جهان گفتمانی عبارت‌اند از: ادراک موقعیت حاضر[۱۷] (درک و دریافت بافت و موقعیت متن)، باورها، دانش‌ها، خاطره‌ها، امیدها، ترس‌ها، رؤیاها، نیت‌ها و افکار مشارکان گفتمان. برای جلوگیری از عدم مهار داده‌های بالا در جهان گفتمان و نیز برای مقابله با از هم گسیختگی تفسیر، نظریهٔ جهان‌های متن بر این تأکید می‌کند که صرفاً عناصر ضروری موجود در متن و بافت (عناصر موجود در متن که به تحلیل جهان گفتمان کمک می‌کند) استفاده شود و بدین ترتیب، به بررسی تمامی عناصر تشکیل‌دهندهٔ جهان گفتمانی نمی‌پردازد (Stockwell, 2002: 136, 137).

جهان متن: جهان متن، دومین لایه از نظریهٔ جهان متن است که شامل عناصر اصلی متن و اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن است. استاک‌ول، ماهیت جهان‌های متن را چنین توضیح می‌دهد:

> نویسندگان و خوانندگان، به‌همراه یکدیگر، یک جهان متنی را بر اساس درکِ رایجِ شناختِ پایه - که به‌نظر می‌رسد، میان نویسنده و خواننده به اشتراک گذاشته می‌شود ـ می‌سازند. جهان متن، یک بازنمود ذهنی خواننده مدارانه از جهان متناوب (جهانی که دائماً متحول، می‌شود و دارای حرکت و بازگشت است) است که ممکن است در آن، شخصیت‌ها، اشیا، تاریخ (زمان) و مکان وجود داشته باشد. جهان متن خوانندگان، جهانی غنی است که از تجربه‌های پیشین آن‌ها انباشته شده است. وضعیت جهان متن، به‌واسطهٔ عناصر جدیدی که به آن اضافه می‌شود (جهان‌سازها) و رویدادهای نمایانگر حرکت درون آن (پیش‌برنده‌های نقش) تغییر می‌یابد (6 :2009).

بنابراین، جهان متنی از دو عنصر اصلی تشکیل می‌شود:

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

۱. **عناصر جهان‌ساز**[۱۸]: این عناصر، نوعی برجستگی در متن ایجاد می‌کنند که رویدادهای پیش‌زمینهٔ متن در تعامل با آن واقع می‌شود. عناصر جهان‌ساز، شامل جهت‌گیری (تمرکز) در زمان، مکان، شخصیت(ها) و دیگر عناصر[۱۹] می‌شود. استاک‌ول برای رهگیری و مشخص‌سازی هر یک از این عناصر، مصادیقی را تعیین کرده است:

جدول ۱: عناصر جهان‌ساز
Table 1: world-building elements

زمان	مکان	شخصیت‌ها	اشیا
زمان دستوری[۲۰]	قیدهای مکان[۲۱]	**گروه(های) اسمی (اسامی خاص)**[۲۲]	**گروه(های) اسمی (اسامی خاص)**
وجوه افعال[۲۳]	جملات قیدی مکان-نما[۲۴] (جملات معترضهٔ مفید مکان)	ضمایر[۲۵]	ضمایر
قیدهای زمان[۲۶]	گروه‌های اسمی مکان‌نما[۲۷]		
جملات قیدی زمان-نما[۲۸] (جملات معترضهٔ مفید زمان)			

۲. **گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش**[۲۹]: گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش، گزاره‌هایی هستند که وظیفهٔ پویایی جریان‌های موجود در جهان متن را برعهده دارند. این گزاره‌ها شامل حالات، کنش‌ها، رخدادها، فرایندها و هرگونه اسنادی است که در ارتباط با اجزا و شخصیت‌های درون جهان متن مطرح می‌شود.

به عقیدهٔ استاک‌ول (2002: 137)، گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش، ممکن است چندین الگوی متفاوت داشته باشد:

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

جدول ۲: گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش از نظر استاک‌ول

Table 2: function-advancing propositions By Stockwell

هدف متن	نوع اسناد	نقش	کنش گفتاری
روایت/ توصیف	کنش/ رویداد	گستراندهٔ پیرنگ	گزارش/ نقل مطلب
صحنه	حالتی	پیش‌برندهٔ صحنه	توصیف صحنه
شخصیت	حالتی/ صفتی	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف شخصیت
عادی (غیرادبی)	وضعی/ طبیعی (روزمره)	پیش‌برندهٔ عادی متن	توصیف متن عادی
استدلالی	ربطی	پیش‌برندهٔ استدلال	مفروض‌گیری، نتیجه‌گیری
تعلیمی	التزامی/ امری[۳۰]	پیش‌برندهٔ هدف نهایی	تمنایی/ التزامی

همان‌گونه که در جدول شمارهٔ ۲ مشخص است، استاک‌ول برای انواع گونه‌های متنی، پیش‌برنده‌های متفاوتِ نقشی را در نظر می‌گیرد، نوعی اسناد غالب را برمی‌گزیند و بر این اساس به نقش اسناد و کنشِ گفتاریِ گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش حکم می‌کند. به عقیدهٔ استاک‌ول، در سطح پایه می‌توان پیش‌برنده‌های نقش را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. برخی پیش‌برنده‌های نقش، گزاره‌هایی ربطی، توصیفی و اسنادی را مطرح می‌کنند.

۲. برخی دیگر بر رویدادها و کنش‌ها تمرکز می‌کنند.

در جدول شمارهٔ ۲، استاک‌ول تا حدودی به سبک‌شناسی نزدیک شده است. با توجه به اینکه استاک‌ول در جدول شمارهٔ ۲ به مسئلهٔ اسناد و کنش‌های گفتاری توجه کرده است، توجه او به مسئلهٔ وجهیت[۳۱] (میزان قطعیت یا عدم قطعیت کلام مؤلف)، روشن و آشکار است. حال آنکه در این صورت، دسته‌بندی ارائه شده از سوی او، به‌شکل بسیار دقیق‌تری در دستور زبان سبک‌شناسی نقش‌گرای هلیدی نمود یافته است. هلیدی سه وجه کلی خبری، پرسشی و امری را برای هر بند در زبان در نظر می‌گیرد. او در مرحلهٔ بعد، دو وجه بند خبری و پرسشی را به همراه بند تعجبی، به این دلیل که همگی برای تبادل اطلاعات به‌کار می‌روند، در یک دسته قرار داده و آن‌ها را وجه اخباری نامیده است. از سوی دیگر، تمامی ساخت‌های امری و التزامی را، ذیل وجه امری دسته‌بندی کرده و برای بند (واحد مورد تأیید هلیدی) به دو وجه اصلی خبری و امری قائل شده است. این نظریه با جزئیات بسیار و دقت

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

بسیار بیشتر، مباحث مطرح‌شده از سوی استاکول را تبیین می‌کند و از این رو، روشن است که جدول طراحی‌شده از سوی استاکول، جامع و دقیق نیست[۳۲].

مهم‌ترین نکتهٔ مغفول‌مانده در جدول پیشنهادی استاکول، چنانکه در تحلیل اشعار خواهیم دید، این است که برخی از انواع اسنادهای پیشنهادی او، در مواردی دیگر، جز آنچه او پیشنهاد داده است، قابلیت و کارکرد دارد. برای مثال، نوع اسناد حالتی، برای توصیف و پیش‌برندگی شخصیت و هر چیزی که حالت را توصیف کند، کاربردی است. از سوی دیگر، در نام‌گذاری انواع اسناد و کنش‌های گفتاری نیز، در شعر فارسی، می‌توان به فراخور، نام‌گذاری‌های دیگری را مفروض گرفت. ما در تحلیل گزاره‌های پیش‌برندهٔ متن، در مطالعهٔ موردی بررسی‌شده، اساس را نظر استاکول قرار داده‌ایم و هرجا لازم بوده است، آن را اصلاح کرده‌ایم.

زیرجهان‌ها: سومین لایهٔ نظریهٔ جهان‌های متن، زیرجهان‌هاست که از جهان اصلی متن حاصل می‌شود. زیرجهان‌ها نمایانگر تنوع و تغییر در جهان متنی هستند، بدون اینکه حس انقطاع از جهان متن را به مخاطب القا کنند. محتوای این زیرجهان‌ها می‌تواند محمل جهت‌گیری (تمرکز) در زمان، مکان، شخصیت و اشیا باشد و جهانی کاملاً تازه و بافتی سرشار از امکان‌های مختلف را بیافریند. بنابراین، هرگونه تغییر و جابه‌جایی در زمان و مکان، استفاده از نقل قول مستقیم و بیان اعتقادات شخصیت‌ها، جهان‌های جدیدی می‌آفریند که مخاطب در حین خوانش به آن جهان‌ها ورود پیدا می‌کند و پس از آن، مجدداً به جهان اصلی متن باز می‌شود.

سه گونه زیرجهان ممکن است در جهان متنی اصلی نمود یابد که عبارت‌اند از:

۱. **زیرجهان‌های اشاره‌ای**[۳۳]: این زیرجهان‌ها شامل بازگشت‌ها و جهش‌های زمانی و نیز نقل‌قول‌های مستقیم ـ در برابر نقل‌قول‌های غیرمستقیم ـ است.

۲. **زیرجهان‌های نگرشی**[۳۴]: جهان‌های نگرشی شامل آرزوها، باورها و نیات شخصیت‌های متن است و با افعالی همچون «آرزو داشتن»، «امید داشتن»، «خیال‌پردازی کردن» و «خواستن» نمود می‌یابد. زیرجهان‌های نگرشی به سه دستهٔ آرزویی، باوری و نیتی تقسیم می‌شود.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

جهان‌های باوری با افعالی همچون «باور (اعتقاد) داشتن»، «دانستن» و «فکر کردن» آشکار می‌شود و جهان‌های نیتی به‌واسطهٔ نیات بیان‌شدهٔ شخصیت‌ها، بدون توجه به واقع شدن کنش یا عدم آن، نشان داده می‌شود و در نمونه‌هایی مانند وعده‌ها، تهدیدها، دستورها (التزام‌ها)، پیشنهادها و درخواست‌ها بروز می‌یابد.

۳. **زیرجهان‌های معرفت‌شناسانه**[۳۵]: ابزارهایی هستند که مسئلهٔ احتمال و امکان به واسطهٔ آن‌ها از سوی جهان متن مدیریت می‌شود. استاک‌ول تصریح می‌کند که این زیرجهان-ها در زبان انگلیسی با گزاره‌هایی همچون would, will, should و ساختارهای شرطی منطقی «اگر... پس...» نشان داده می‌شود. باید توجه کرد که اگرچه در زبان انگلیسی، واژه‌های would، could و should از نظر معنایی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند؛ لیکن در زبان فارسی، به‌دلیل ساخت متفاوت زبان و نحو، چنین تفاوتی چشمگیر نیست و می‌توان مجموعهٔ قیدهای شک و تردید و احتمال ازجمله: «شاید، پنداری، گویی، گوییا، گویا، به گمان... و مگر[۳۶]» را نمایان‌گرهای زیرجهان‌های معرفت‌شناسانه در نظر گرفت.

قیدهای «پنداری، گویی، گوییا و گویا[۳۷]» علاوه بر اینکه از نظر معنایی، نشان‌دهندهٔ احتمال و تردید هستند، از نظر بلاغی نیز، می‌توانند در جایگاه ادات تشبیه قرار گیرند و به این ترتیب، هر تشبیهی که با اداتی همچون: پنداری، گویی و ... ساخته شود، به تشکیل زیرجهان معرفت‌شناسانه در متن منجر می‌شود. نتیجهٔ این سخن این است که می‌توان به‌واسطهٔ بررسی ادات تشبیه، شیوهٔ تشبیه‌سازی و میزان قطعیت شاعر را در بیان شباهت یک چیز به چیز دیگر، دریافت. هنگامی که شاعر از ادات تشبیه «چون» استفاده می‌کند، میزان قطعیت بیش‌تری را در تشبیه، آشکار می‌سازد. برای مثال، در این بیت حافظ:

زلف چون عنبر خامش که ببوید هیهات ای دل خام طمع این سخن از یاد ببر

شاعر زلف معشوق را با قطعیت به عنبر تشبیه کرده است. اگر او سیاقی از کلام را برمی‌گزید که در آن، چنین بیان می‌شد: «زلفت که گویی عنبر خام است...»، ظاهراً میزان قطعیت کم‌تری نسبت به تشبیه حاضر می‌داشت که در آن، زلف، بدون هیچ قیدی به عنبر خام تشبیه شده است.

اما در این بیت منوچهری:

گویی بط سپید جامه به صابون زده است کبک دری ساق پا در قدح خون زده است

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

شاعر با استفاده از ادات تشبیه «گویی»، میزان التزام و قطعیت کم‌تری را در ادات تشبیه خود نمایان ساخته است.

۳ـ۳. بحثی در باب کارکرد نظریهٔ جهان‌های متن در شعر کلاسیک و تمایز آن با شعر نو

در شعر فارسی، اشعار تعلیمی و قصاید، عموماً دارای انسجام متنی (ارتباط عمودی ابیات با یکدیگر) بیشتری نسبت‌به شعر غنایی هستند. دلیل این امر آن است که شاعر، مضمونی را در ذهن خود متصور می‌شود و ابیات مکرری را که از نظر منطقی به یکدیگر مرتبط‌اند و یکدیگر را کامل می‌کنند، در جهت بیان این مضمون به‌دنبال هم می‌آورد. حال آنکه، شمس قیس شاعران قصیده‌سرا را به این امر ملزم می‌کند که نخست، شعر را به نثر تخیل کنند، سپس ابیات متعددی را بسرایند و پس از آن، هر بیت را در جای مناسب خود قرار دهند:

> [شاعر] باید که چون ابتدای شعر می‌کند و آغاز نظمی نهد، نخست نثر آن را پیش خاطر آرد و معانی آن بر صحیفهٔ دل نگارد... و در نظم ابیات به سیاقت سخن و ترتیب معانی التفات ننماید و تا جملهٔ قصیده را بر سبیل مسوده تعلیق زند... و چون ابیات بسیار شد و معانی تمام گشت، جمله مره اخری از سر اتقان بازخواند... و میان ابیات تلفیق کند و هر یک را به موضع خویش بازبرد و تقدیم و تأخیر از آن زایل گرداند تا... ابیات از یکدیگر بیگانه ننماید... (شمس قیس، ۱۳۱٤: ۳۲۸، ۳۲۹).

با تأمل در سخن شمس قیس، روشن است که جهان متن شعر کلاسیک، به‌صورت طبیعی ایجاد نمی‌شود؛ بلکه شاعر ابتدائاً مجموعه‌ای از ابیات را می‌سراید و سپس، طبق سلیقهٔ خود، جای آن‌ها را در متن مشخص می‌کند. اساساً در برخی قالب‌ها و ژانرهای مختلف شعر فارسی، جهان متن بسیار گسترده است و تمامی اجزای متن، در کنار یکدیگر، جهان متنی را تشکیل می‌دهند که از کل اجزایش بزرگ‌تر و وسیع‌تر است. برای مثال، در ***شاهنامه*** یا منظومه‌های نظامی یا در قصاید ناصرخسرو، فرخی و خاقانی، یک هدف اصلی و یک روایت کلان، همچون روایت یک داستان، وصف طبیعت، مدح و ... وجود دارد که همین روایت، جهان متن را تشکیل می‌دهد و معمولاً هم از چند فرم اصلی فراتر نمی‌رود:

> بررسی شعر فارسی، به‌روشنی نشان می‌دهد که محور عمودی خیال، همواره ضعیف و دور از خلق و ابداع بوده... آنچه در زمینهٔ عمومی شعر فارسی،... می‌توان یادآوری کرد،

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

محدودیتی است که خیال شاعران در محور عمودی شعر دارد و این میراث عرب و شعر شاعران جاهلی است... (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۱۷، ۱٦۹).

در شعر غنایی، هدف اصلی بیان احساسات است و چه‌بسا، در یک زمان واحد، صرفاً یک بیت به ذهن شاعر متبادر شود و ادامهٔ ابیات پس از مدتی به‌ذهن او خطور کند و ممکن است، حتی نتوان ارتباط دقیقی میان ابیات یافت (ضعف در محور عمودی شعر). البته، این نکته در غزل شاعری همچون حافظ، استثنائاً متفاوت است و اگرچه در بسیاری از غزل‌ها ارتباط منطقی در محور عمودی ابیات به‌چشم نمی‌خورد، با تأمل می‌توان رشتهٔ ظریفی از ارتباط معنوی را در محور عمودی یافت[۳۸].

بنا بر مطالبی که ذکر شد، یک چالش و پرسش مهم در باب جهان متن دربارهٔ شعر غنایی کلاسیک فارسی به‌وجود می‌آید: اگرچه می‌توان غزل را یک کلیت واحد در نظر گرفت و ساختار شبکه‌ای برای آن قائل شد[۳۹]؛ اما در بسیاری از غزل‌ها، ما با مجموعه‌ای از ابیات روبه‌روییم که گاهی می‌توان جایگاه آن‌ها را تغییر داد، بدون اینکه خللی به شعر وارد شود. برای مثال، در همین غزلی که آن را بررسی خواهیم کرد، اگر جای بیت دوم و سوم را عوض کنیم، آیا در ساختار و معنای متن، خللی وارد می‌شود؟ ظاهراً به‌نظر می‌رسد که با چنین جابه‌جایی، حداقل در برخی ابیات، مانند بیت دوم و سوم در غزل مورد بحث، خللی در ساختار و معنا وارد نمی‌شود؛ اما در صورتی که ما همین مسئله را با تصرف احتمالی کاتبان در بعضی از اشعار پیگیری کنیم، چالش مطرح‌شده، به یک مسئلهٔ مهم تبدیل می‌شود. درواقع، با قبول این نکته که در گذشته، برخی کاتبان در جابه‌جایی بعضی ابیات و حتی اضافه و کم شدن آن، دخل و تصرف می‌کرده‌اند، تکلیف جهان متن و گفتمان برساختهٔ ذهن شاعر چیست؟

در شعر غنایی و قالب غزل، برخی غزل‌ها روایی و داستان‌گونه هستند[٤٠] و طبیعتاً به واسطهٔ جنبهٔ داستانی آن‌ها، بررسی و تحلیل چنین اشعاری در قالب نظریهٔ جهان‌های متن، شبیه به بررسی آثار داستانی است که پیش‌تر در مقالات مختلف، بررسی شده است؛ اما چنانکه ذکر شد، در بسیاری از غزل‌ها ارتباط عمودی ضعیف است و می‌توان، جای ابیات را با یکدیگر عوض کرد. البته، طبیعتاً از آنجا که بسیاری از شاعران، خود را ملزم به آوردن بیت تخلص (بیت پایانی غزل) و شریطه و دعا (در قصیده) می‌کرده‌اند، در همین متون نیز می‌توان انتهای متن را با قطعیت تعیین کرد.

روشن است که در توجیه این چالش می‌توانیم چنین استدلال کنیم که متن به‌مثابهٔ

برون‌داد ذهنی شاعر از یک واقعهٔ درونی و یک تجربهٔ شاعرانه و فردی است و می‌توان با این پیش‌فرض که شاعر، درابتدا، امری درونی یا حتی عینی را در ذهن خود تصور کرده و پس از پردازش ذهنی، در قالب کلمات جای داده و آن را توصیف کرده است، با متن مواجه شد. در هر حال، چالش‌های مطرح‌شده، موانعی جدی را برای کارکرد همه‌جانبهٔ این نظریه در شعر کلاسیک فارسی ایجاد می‌کنند. ما برای تدقیق کارکرد نظریه در شعر کلاسیک فارسی و نمایاندن مشکلات آن، غزلی را برای تحلیل برگزیده‌ایم که اولاً جنبهٔ داستانی نداشته باشد، دوم، رویدادهای آن علّی و سلسله‌وار نباشد (به گونه‌ای که یک بیت علت یا معلول بیت بعد و قبل از خود باشد) و سوم چالش مطرح‌شده در مورد آن صادق باشد. به این ترتیب، این نظریه را در متنی که جهان آن، کاملاً مشخص نیست، بررسی می‌کنیم.

در شعر نو، خلاف شعر کلاسیک، شاعر از محدودیت‌های ذاتی شعر کلاسیک رهایی می‌یابد و هر کجا که بخواهد، از قافیه استفاده می‌کند. وزن نیز ابزاری است که شاعر را در آهنگین کردن شعر یاری می‌رساند و کیفیت و کمیت استفاده از آن، در اختیار شاعر است. عموماً در شعر نو، روایت نیز روشن است و شاعر، به‌دلیل رهایی از محدودیت‌هایی که ذکر شد، مشکلی در بیان روایت مورد نظرش ندارد. بنابراین، طبیعتاً کارکرد نظریهٔ جهان‌های متن در شعر نو، مناسب‌تر از شعر کلاسیک است.

۴. تحلیل داده‌ها

غزل مورد بررسی ما در این پژوهش، غزلی از سعدی، به‌مثابهٔ نمونه‌ای از شعر کلاسیک است که می‌توان آن را غزلی گفت‌وگومحور در نظر گرفت. شاعر در این غزل، به‌صورت یک‌طرفه با معشوق خود سخن می‌گوید:

۴ ـ ۱. شعر اول: غزلی از سعدی

۱. *من بی‌مایه که باشم که خریدار تو باشم حیف باشد که تو یار من و من یار تو باشم*
۲. *تو مگر سایهٔ لطفی به سر وقت من آری که من آن مایه ندارم که به مقدار تو باشم*
۳. *خویشتن بر تو نبندم که من از خود نپسندم که تو هرگز گل من باشی و من خار تو باشم*
٤. *هرگز اندیشه نکردم که کمندت به من افتد که من آن وقع ندارم که گرفتار تو باشم*

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

۵. *هرگز اندر همه عالم نشناسم غـــم و شادی — مگر آن وقت که شادی خور و غمخوار تو باشم*
٦. *گذر از دست رقیبان نتوان کـــرد به کویت — مگر آن وقت کـه در سـایهٔ زنهـار تـو باشـم*
۷. *گر خداوند تعالی بـه گـــــناهیت بگـــــیرد — گـو بیـامرز کـه مـن حامـل اوزار تـو باشـم*
۸. *مردمان عاشق گـــفتار من ای قبلهٔ خوبـان — چون نباشند که مـن عاشـق دیـدار تـو باشـم*
۹. *من چه شایستهٔ آنم کـه تو را خوانم و دانم — مگرم هم تو ببخشـی کـه سـزاوار تـو باشـم*
۱۰. *گرچه دانم که به وصلـــت نرسم بازنگردم — تـا در ایـن راه بمیـرم کـه طلبکـار تـو باشـم*
۱۱. *نه در این عالم دنیا کـه در آن عـالم عقبـی — همچنـان بـر سـر آنـم کـه وفـادار تـو باشـم*
۱۲. *خاک بادا تن سعدی اگـرش تـو نپسـندی — که نشاید که تو فخر من و من عـار تـو باشـم*

۴-۱-۱. تحلیل جهان گفتمان

برای تحلیل جهان گفتمان این شعر و سایر اشعار، به شیوهٔ پیشنهادی نظریهٔ جهان‌های متن، باید پرسش‌هایی را مطرح کنیم و به آن پاسخ دهیم. درواقع، دست‌یابی به جهان گفتمان و تحلیل دقیق و موشکافانهٔ آن، با تلاش برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی از این دست، صورت می‌پذیرد:

ـ مشارکان گفتمان چه کسانی هستند؟
ـ عوامل مؤثر در جهان گفتمان، کدام‌اند؟

حال با پاسخ دادن به پرسش‌های بالا، تلاش خواهیم کرد که جهان گفتمان متن حاضر را کشف و تحلیل کنیم:

مشارکان اصلی گفتمان، در متن حاضر دو شخصیت هستند که یکی از آن‌ها مؤلف متن (عاشق/ سعدی) و دیگری، معشوق اوست. شیوهٔ گفتمان این دو مشارک، شبیه به‌نوعی نامه‌نگاری عاشقانه (از عاشق به معشوق) است یا می‌توان آن را گفت‌وگویی در نظر گرفت که یکی از مشارکان، همواره متکلم است (عاشق) و مشارک دیگر، همواره شنونده و دریافت‌کنندهٔ پیام است (معشوق).

نکتهٔ مهمی که باید دربارهٔ تحلیل عوامل مؤثر در جهان گفتمان به آن توجه کرد، این است که از میان تمامی عوامل مؤثر ممکن - که پیش‌تر به آن‌ها اشاره شد ـ ممکن است فقط برخی

در جهان گفتمانی مورد بحث، وجود داشته باشد. بنابراین، همین عوامل موجود، ابزارهایی هستند که با بافت در ارتباطاند و در تحلیل جهان گفتمانی به‌کار می‌آیند.

در متن حاضر، بارزترین مسئلهٔ پیش‌برندهٔ گفتمان، ابراز علاقه و عشق مؤلف به معشوق است. مفهوم کلیدی که در این گفتمان نمود آشکاری یافته، برتری معشوق بر مؤلف است. این مسئله به اشکال گوناگون در تمامی متن نمود دارد و بی‌شک، کانونی‌ترین دریافت از مجموعهٔ ابیات این شعر، «ابراز عشق همراه با فروتنی» است.

می‌توان مجموعهٔ دیدگاه‌های گفتمانی مؤلف را این‌چنین دسته‌بندی و تبیین کرد:

تصویر ۱: دیدگاه‌های گفتمانی مؤلف در غزل مورد بررسی

Figure 1: Discourse views of author

۴-۱-۲. تحلیل جهان متن

پرسش‌های اساسی در تحلیل جهان متنی شعر، به‌مثابهٔ یک متن خودسامان[۴۱]، این است که جهان متن اصلی چیست و این جهان متنی به چه زیرجهان‌هایی تقسیم شده است؟

برای تحلیل جهان متن برساخته در غزل، ابتدا عناصر جهان‌ساز را از متن استخراج می‌کنیم:

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

جدول ۳: عناصر جهان‌ساز در غزل مورد بررسی

Table 3: world-building elements in the analyzed sonnet

زمان (نوع فعل و ...)		مکان	شخصیت‌ها	اشیا
زمان سیال (همه‌جا زمانی)	در تمامی ابیات: فعل باشم (مضارع ساده)	مکان سیال (همه‌جا مکانی)	من (سعدی [شاعر])، تو(معشوق)، رقیبان، خداوند، مردمان	گل، خار، کمند

در مرحلهٔ بعد گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش را واکاوی می‌کنیم. برای بازشناسی گزاره‌های ربطی، توصیفی و اسنادی از گزاره‌های کنشی، برای دستهٔ اول (گزاره‌های غیرکنشی) از پیکان‌های افقی و برای دستهٔ دوم (گزاره‌های کنشی) از پیکان‌های عمودی استفاده می‌کنیم (مراد از کنش، امری است که با حرکت و فعالیت همراه باشد):

من ← بی‌مایه‌هستم.

تو ← حیف است ← یار من باشی.

تو

↓

مگر (شاید/ محتمل است) سایهٔ لطفی بر من بیندازی.

من ← آن (قدر) مایه ندارم که به مقدار تو (در شأن تو) باشم.

من ← خویشتن را بر تو نمی‌بندم (مدعی وصال تو نیستم).

من ← نمی‌پسندم ← تو گل من باشی و من خار تو (چنان جایگاه والایی داری که من در تشبیه گل و خار، من نمی‌پسندم حتی خار تو باشم). مقایسه شود با:

نه بی او عشق می‌خواهم نه با او

که او در سلک من حیف است منظوم

در اینجا یک زیرجهان نمود می‌یابد. زیرجهان نگرشی و ذیل آن، زیرجهان باوری به‌شکل معکوس (استفاده از صورت منفی فعل) در گزاره‌ای که آورده می‌شود، نمود یافته است:

من ← هرگز فکر نکردم ← کمند تو به‌سوی من افتد.

در ادامه، گزاره‌ای آمده که دلیل این ادعا (فکر نکردن) را بیان می‌کند:

[چراکه] من آن وقع (جایگاه) را ندارم که گرفتار تو باشم.
من ← در همهٔ عالم غم و شادی را جز با شادی و غم‌خواری نمی‌شناسم.

*نمی‌توان (م) از دست رقیبانت **گذر کنم** مگر در سایهٔ زنهار تو باشم*

(اگر در سایهٔ زنهار تو باشم، می‌توانم **گذر کنم**

در اینجا به واسطهٔ استفاده از ساختار شرطی، زیرجهان معرفت‌شناسانه نمود می‌یابد:

خداوند
اگر تو را به [واسطهٔ] گناه بگیرد (مجازات کند)
تو ←[به خداوند] بگو: مرا بیامرز
من← حامل سنگینی گناهان تو باشم (مقایسه شود با
جنگ نمی‌کنم اگر دست به تیغ می‌برد
بلکه به خون مطالبت هم نکنم قیامتش
کاش که در قیامتش بار دگر بدیدمی
کانچه گناه او بود من بکشم غرامتش)

در اینجا، جای دو گزاره از منظر رابطهٔ علت و معلولی، باید عوض شود:
من ← عاشق دیدار تو هستم
مردمان ← چگونه عاشق گفتار من نباشند؟!

درواقع، در اینجا ذکر این مسئله که دلیل علاقه‌مندی مردمان به شعر و سخن سعدی، عشق سعدی به یار است، در جهان متن با دو گزارهٔ علاقهٔ سعدی به یار و درنتیجه، علاقهٔ مردم به سخن سعدی در جهان متنی قابل بررسی است. ژرف‌ساخت این عبارات چنین است: من عاشق دیدار تو هستم. ← علاقهٔ من به تو سبب زیبایی اشعارم است. ← مردمان عاشق گفتار (شعر) من هستند.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

مقایسه شود با:

بلبل بوستان حسن توأم

چون نیفتد سخن در افواهم

من← چه شایستگی دارم که تو را بخوانم؟!

در اینجا یک زیرجهان نگرشی، باوری، آشکار می‌شود:

من ← **(می)دانم** ← مگر تو مرا [شایستگی] ببخشی← [اگر تو مرا شایستگی ببخشی] [در آن صورت] سزاوار تو باشم [هستم، خواهم شد]

من ← **[اگرچه] می‌دانم** ← به وصال تو نمی‌رسم

↓

بازنمی‌گردم← [چراکه] طالب تو هستم [ممکن است خواننده‌ای، بخش آخر این‌گونه تفسیر کند: [چراکه] [در قیامت] طلبکار تو باشم [و در آنجا طلبم را از تو بستانم]

در اینجا یک جهان نگرشی، باوری، نمود می‌یابد:

من ← در دنیا و آخرت، همچنان (همواره) بر سر آن هستم (متعهد هستم) که وفادار تو باشم.

در اینجا زیرجهان نگرشی (باوری) و زیرجهان معرفت‌شناسانه به‌صورت توأمان نمود می‌یابند:

سعدی ← اگر تو سعدی را نپسندی، تن او خاک باد!

دو نکته در اینجا مهم و قابل توجه است: اولاً اینکه ماهیت «من» در ابیات پیشین، در ابتدای این بیت به «سعدی» بدل می‌شود و درنتیجه، ضمیر ارجاعی آن نیز به «او» (_ش) تغییر می‌یابد. این همان مسئله‌ای که در بلاغت سنتی با عنوان التفات مورد بحث قرار می‌گیرد[٤٢]. مسئلهٔ دوم، استفاده از ساختار «اگر... و متعلقات آن» است که به خلق زیرجهان معرفت‌شناسانه انجامیده است. درواقع، ساخت فعل دعایی «باد» در مصراع اول، وابسته به «اگر» است. سخن تقدیری سعدی در اینجا این است که «اگر... [در نتیجه] ... بادا!». به این ترتیب، در یک مصراع، دو زیرجهان به‌صورت آمیزه‌ای با یکدیگر خلق شده است. نکتهٔ مهم دیگر، پایان‌بندی جهان متنی، با بازگشت مجدد ارجاع از «او» به «من» است. به این ترتیب، متن مجدداً به جهان اصلی بازگشته و به اتمام رسیده است.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

اکنون برای بررسی چگونگی مواجه شدن با اسناد گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش، به بررسی آن خواهیم پرداخت. برای جلوگیری از تطویل سخن، صرفاً سه بیت ابتدایی را بررسی خواهیم کرد:

جدول ۴: گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش در ۳ بیت نخست غزل مورد بررسی

Table 4: function-advancing propositions in the analyzed sonnet

گزاره	نوع اسناد	نقش	کنش گفتاری
من ← بی‌مایه‌هستم.	صفتی	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف شخصیت
تو ← حیف است ← یار من باشی (تأویل: یار من بودن تو حیف است)	توصیفی	توصیفی	گزارش وضعیت
تو ↓ مگر (شاید/ محتمل است) سایهٔ لفظی بر من بیندازی	استثنایی/ شرطی	پیش‌برندهٔ وضعیت شرطی	شرط بیان تردید
من ← آن (قدر) مایه ندارم که به مقدار تو (در شأن تو) باشم.	حالتی	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف شخصیت
من ←خویشتن را بر تو نمی‌بندم.	توصیفی	گستراننده رویداد/ پی-رنگ	گزارش
من ←نمی‌پسندم ← تو گل من باشی و من خار تو (من گل بودن تو و خار بودن خود را (نزدیکی خودم به‌تو را به‌دلیل عظمت شأن تو) نمی‌پسندم)	حالتی/ وصفی	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف شخصیت

حال، پس از واکاوی متن و استخراج عناصر مختلف سازنده و پیش‌برندهٔ جهان متن، می‌توانیم چنین نتیجه‌گیری کنیم که در این غزل، گزاره‌های ربطی و توصیفی از نظر بسامد

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

بسیار بیشتر از گزاره‌های کنشی هستند. دلیل این امر، مبتنی بودن جهان گفتمان بر درون‌گرایی و توصیف است. نیز، تعداد کم اشیا در جهان متن، نمایانگر درونی، عاطفی و انتزاعی بودن متن است. از سویی، نظریهٔ جهان‌های متن در تبیین کارکردهای گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش، بعضاً پاسخ مناسبی نمی‌دهد؛ چنانکه به ناچار، در یکی از موارد بالا، عنوان اسناد استثنایی/ شرطی را خودمان برای گزاره انتخاب کرده‌ایم.

بنابراین، در تحلیل جهان متن اشعار کلاسیک، باید:

- گزاره‌های گفتمانی - و نه صرفاً گزاره‌های دستوری ـ واحد و مبنای تحلیل قرار گیرد (به بیان دیگر، روساخت را باید به زیرساخت بدل کرد).
- افتادگی‌های متن (عناصر نحوی پنهان) را به آن افزود و زواید (عناصر بی‌تأثیر در روند گفتمان) را نادیده گرفت.
- معانی ثانویهٔ کلمات و افعال را در نظر گرفت و بر اساس آن، جهان متن را واکاوی کرد.
- جایگاه اسناد و روابط منطقی میان دو مصراع را مشخص کرد.

۴ ـ ۲. شعر دوم: شعر «هست شب» نیما

دومین شعر مورد بررسی در این پژوهش، شعر «هست شب» نیماست که نمونه‌ای از شعر نو به‌شمار می‌آید و البته، از مهم‌ترین و معروف‌ترین اشعار نیماست و از نظر بلاغی نیز، شعری مهم به‌شمار می‌آید:

هست شب، یک شب دم‌کرده و خاک
رنگ رخ باخته است.
باد نوباوهٔ ابر، از بر کوه
سوی من تاخته است.
هست شب، همچو ورم کرده تنی گرم دراستاده هوا،
هم ازین روست نمی‌بیند اگر گمشده‌ای راهش را.
با تنش گرم، بیابان دراز
مرده را ماند در گورش تنگ

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

به دل سوختهٔ من ماند

به تنم خسته که می‌سوزد از هیبت تب!

هست شب، آری، شب (یوشیج، ۱۳۹۷: ٥٤٤، ٥٤٥).

۴-۲-۱. تحلیل جهان گفتمان

گفتمان متن حاضر، مبتنی بر تک‌گویی راوی/ مؤلف است. بنابراین، گفتمان متن حاضر، گفتمانی فردمحور است که در آن گفت‌وگویی شکل نمی‌گیرد و مخاطب را می‌توان صرفاً دریافت‌کنندهٔ آرا و عقاید راوی/ مؤلف در نظر گرفت. تمامی گفتمان حاضر، توصیف وضعیت پیرامونی راوی است و درک متن و گفتمان آن، مستلزم تلاش مخاطب، برای درک توصیفات مؤلف است.

مهم‌ترین عامل مؤثر در گفتمان این شعر، یأس و ناامیدی مؤلف، به‌مثابهٔ مشارک اصلی گفتمان است. تصویر شب، با توجه به بافت ذهنی مشترک میان تمام انسان‌ها، فضایی وهم‌آلود و ترسناک (منتج از شرایط اجتماعی و سیاسی) را به ذهن متبادر می‌کند. راوی، شب را با ویژگی‌های مختلفی همچون ورم کرده و تنومند توصیف کرده است. چنین توصیفی، در طول گفتمان، نمایانگر و تداعی‌کنندهٔ احساس و باور عجز و ناتوانی است. ناتوانی و یأس، مهم‌ترین احساساتی هستند که در گفتمان متن حاضر، نمودار گشته است.

تحلیل جهان متن:

در این شعر نیز، به مانند تمام متون دیگر، برای دست‌یابی به جهان متن، نخست باید عناصر جهان‌ساز را کشف کنیم:

جدول ۵: عناصر جهان‌ساز در شعر « هست شب» نیما

Table 5: world-building elements in the "this is night" of Nima

زمان (نوع فعل و ...)	مکان	شخصیت‌ها	اشیا
یک شب تاریک (در جهان گفتمان)	در جهان متنی، نامشخص (سیالیت مکان)	شب، خاک، باد، گمشده، بیابان، من (شاعر)	کوه، هوا
هست (مضارع ساده)	–	شب	–
باخته است (ماضی نقلی)	–	خاک	–
تاخته است (ماضی نقلی)	بالای کوه – روی زمین	ابر	کوه
هست (مضارع ساده	–	شب	هوا
نمی‌بیند (مضارع	راه	گمشده	–

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

زمان (نوع فعل و ...)	مکان	شخصیت‌ها	اشیا
استمراری			
مانَد (مضارع استمراری)	–	بیابان	–

درمورد زمان شعر، باید یک نکته را در اینجا مطرح کرد. در این قطعه شعر از نیما نیز، به مانند شعر پیشین از سعدی، زمان در جهان متنی مشخص نیست (مراد از زمان، تاریخ و سیر زمان است) و ما صرفاً می‌دانیم که متن شبی تاریک را توصیف می‌کند؛ اما زمان تولید شعر به‌مثابهٔ متن ادبی مشخص است و مفسر، می‌داند که این شعر در سال ۱۳۳٤ سروده شده است. بنابراین، می‌توان با پیش‌فرض‌ها و احتمالات بیشتری متن را تأویل کرد (برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت تأویل کامل شعر ر.ک: پورنامداریان، ۱۳۸۹: ٤۲۸ ـ ٤۳۲).

پیش از تحلیل جهان متن در شعر حاضر، باید به این نکته اشاره کرد که اساس تصویرسازی در شعر حاضر، جان‌بخشی و تشخیص[٤۳] است. بنابراین، مشارکان اصلی متن، عناصری از طبیعت هستند که در نظام طبیعی زبان، اسناد در مورد آن‌ها منتفی است؛ لیکن در جهان متنی حاضر، کنشگر هستند و اساس خیال و تصویرسازی قرار گرفته‌اند.

حال، گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش و انواع اسناد را تحلیل می‌کنیم:

شب ← دم کرده است.

خاک ← رنگ رخش را باخته است.

در اینجا صحنهٔ روایت تغییر می‌کند و اشارهٔ شناختی و ارجاع از شب خاک که ملازم یکدیگرند، به باد منتقل می‌شود و بدین ترتیب، یک زیرجهان اشاره‌ای پدید می‌آید:

باد

↓

از بر (بالای) کوه سوی من تاخته است.

سپس مجدداً تصویر بر شب متمرکز می‌شود و جهان متن اصلی آشکار می‌شود:

شب ← تنی ورم‌کرده در هوایی ایستاده (ساکن) است.

↓

گم‌شده ← راهش را نمی‌یابد.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

در اینجا به‌واسطهٔ استفاده از ساختار منطقی و نتیجه‌گیری از آن، ساختار «اگر» و متعلقات آن به متن ورود پیدا کرده و یک زیرجهان معرفت‌شناسانه را پدید آورده است. اگر گمشده راهش را نمی‌یابد، به این دلیل است که شب همچون تنی ورم‌کرده در هوایی ساکن [راکد]، مانع کشف مسیر برای گمشده است.

مجدداً ارجاع از شب به عنصری دیگر (بیابان) منتقل می‌شود و مجدداً زیرجهان اشاره‌ای آشکار می‌شود:

بیابان← تنش گرم است

بیابان ← مرده‌ای است در گوری تنگ.

بیابان ← شبیه دل سوختهٔ من است.

بیابان ← شبیه تن خستهٔ من است ← از تب می‌سوزد.

پس از باقی ماندن متن در زیرجهان اشاره‌ای و توصیف حالات بیابان، در انتها مجدداً جهان اصلی متن (تأکید بر شب) آشکار می‌شود و در همین‌جا شعر به پایان می‌رسد:

هست شب، آری شب!

آنچه در این جهان متن نمود بارزی دارد، انتقال‌های متعدد به زیرجهان‌های اشاره‌ای و بازگشت سریع به جهان متن اصلی است و به این ترتیب، متن همواره در گذار به زیرجهان و بازگشت به جهان اصلی سیر می‌کند.

اکنون کارکردهای گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش را در جدول شمارهٔ ٦، تحلیل می‌کنیم:

جدول ۶: گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش در شعر «هست شب» نیما

Table 6: function-advancing propositionsin the "this is night" of Nima

گزاره	نوع اسناد	نقش	کنش گفتاری
شب ← دم کرده است.	حالتی	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف حالت شخصیت
خاک ← رنگ رخش را باخته است.	حالتی	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف حالت شخصیت
باد ↓ از بر (بالای) کوه سوی من تاخته است.	روایی	کنشی	گستراننده صحنه

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

گزاره	نوع اسناد	نقش	کنش گفتاری
شب ← تنی ورم‌کرده در هوایی ایستاده (ساکن) است.	حالتی	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف حالت شخصیت
گم‌شده ← راهش را نمی‌یابد.	صفتی	کنشی	توصیف متن عادی
بیابان← تنش گرم است بیابان ← مرده‌ای است در گوری تنگ. بیابان ← از تب می‌سوزد.	صفتی	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف حالت شخصیت
بیابان ← شبیه دل سوختهٔ من است. بیابان ←شبیه تن خستهٔ من است	صفتی/ حالتی (تشبیه، بیانگر حالت است و صفات سوخته و خسته، نمایانگر اسناد صفتی هستند)	پیش‌برندهٔ شخصیت	توصیف حالت شخصیت

۴-۲-۲. تحلیل جهان متن

پس از تبیین عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش در شعر حاضر، می‌توان به چنین تحلیلی از جهان متن دست یافت: زمان افعال در این شعر، تماماً حال و مضارع هستند و با توجه به اینکه هیچ فعل ماضی در متن به‌کار نرفته است، بدیهی است که مؤلف صرفاً تلاش کرده است زمان حال خود را وصف کند و نشانی از خاطرات و آرزوهای گذشتهٔ او در متن نمودار نگشته است. گزاره‌های متن حاضر، بیشتر توصیفی و اسنادی هستند و صرفاً در یک مورد، اسناد کنشی برای مشارک باد در متن به‌چشم می‌خورد. با توجه به اینکه مؤلف، متن حاضر را بر پایهٔ تشبیه ساخته است و عنصر تشبیه، مهم‌ترین عامل بلاغی شعر است، تشبیه‌ها نیز بیشتر اسنادی و توصیفی هستند و در توصیف عناصر تشبیه، کنش به‌چشم نمی‌خورد. به‌نظر می‌رسد همین مسئلهٔ (عدم کنش‌پذیری) مهم‌ترین عامل ایجاد فضای رخوت در شعر و وهم‌آلود بودن آن است.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

۵. نتیجه

نظریهٔ جهان‌های متن، یکی از ابزارهای زیبایی‌شناسی شناختی است که قابلیت بررسی دقیق اجزای متن را برای خواننده فراهم می‌سازد. این نظریه از این جهت که عناصر درون‌متنی را می‌کاود و سپس، سیر تحول گفتمان‌های متن را تحلیل می‌کند، ابزاری مناسب برای تحلیل‌های نوین ادبی است. با وجود اینکه تحقیقات ادبی پیشین، متون داستانی را به‌وسیلهٔ این نظریه تحلیل کرده‌اند، پژوهش حاضر به‌صورت عملی نشان داد که این نظریه، ابزاری برای دست‌یابی به گفتمان و عناصر سازندهٔ متون شعری فارسی نیز هست. با این حال، ضعفی که از حیث نظری در کاربست این نظریه برای تحلیل شعر فارسی نمایان است، احکامی است که استاک‌ول برای تبیین کارکردهای گزاره‌های پیش‌برندهٔ نقش، صادر کرده است. این احکام، در نظریهٔ سبک‌شناسی نقش‌گرا به‌شکلی بسیار دقیق‌تر مطرح شده است. نکتهٔ مهمی که مفسر باید در تحلیل جهان متن شعر کلاسیک، در نظر بگیرد، توجه به عناصر گفتمانی و عدم بررسی جملات دستوری است.

این نظریه در تحلیل شعر، بیش از هر چیز، به بافتار متنی و تبیین عناصر متنی شعر می‌پردازد و قابلیت ویژه‌ای را برای بررسی عناصر بلاغی متن دارا نیست. در عین حال، در حین پژوهش نشان دادیم که با وجود محدودیت این نظریه در رویارویی با عناصر بلاغی متن، مسئلهٔ بلاغی تشبیه، در زیرجهان‌های متنی قابل طرح و بررسی است. محدودیت‌های ذاتی شعر کلاسیک فارسی، همچون عدم روایت‌مندی و ضعف‌محور عمودی در بسیاری از اشعار و نیز ضرورت وزن و وجود قافیه و ردیف، سبب می‌شود که این نظریه عموماً در رویارویی با شعر کلاسیک با محدودیت‌هایی مواجه شود. در عین حال، با کاربست چند دستورالعمل، می‌توان این نظریه را در شعر کلاسیک فارسی به‌کار گرفت و از دریچهٔ جهان متن به شعر نگریست. این نظریه در شعر نو، به‌دلیل روایت‌مندی بیشتر و عدم محدودیت‌های شعر کلاسیک و رهایی از قیود آن، کارایی مناسبی دارد و قابلیت تحلیل بافت‌محور را برای منتقد فراهم می‌سازد.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

۶. پی‌نوشت‌ها

1. Semino
2. Werth
3. Stockwell
4. Gavins
5. Cognitive poetic
6. Cognitive Linguistics
7. Generative Linguistics
8. Chomsky
9. Langacker

۱۰. برای کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ ارتباط بافت و متن ر.ک: هلیدی و حسن، ۱۳۹۳: ۱٦۹ ـ ۲۲۱.

11. Lakoff
12. Johnson
13. Tsur

۱٤. مهم‌ترین این ابزارها عبارت‌اند از: نما و زمینه‌سازی، پیش‌نمونه‌سازی، ارجاع‌های شناختی، استعاره و مجاز مفهومی و جهان‌های ذهن (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: stockwell, 2002).

15. Text worlds theory
16. Participants
17. perceptions of the immediate situation
18. world-building elements

۱۹. این واژه، ترجمهٔ object است و در اینجا هر چیزی است که از نظر جان‌دار بودن و کنشگری، در تقابل شخصیت‌ها قرار گیرد.

20. Tense of verbs
21. locative adverbs
22. noun phrases (including proper names)
23. Aspect system of verbs
24. adverbial clauses
25. pronominal
26. temporal adverbs
27. Noun phrases specifying a place
28. adverbial clauses
29. function-advancing propositions

۳۰. این حکم که اِسناد ادبیات تعلیمی، همواره التزامی و امری است، بسیار مناقشه‌برانگیز است. آیا در تمامی متون تعلیمی، صرفاً از اسناد التزامی استفاده شده است؟! به بیان دیگر، اگر متنی آموزنده باشد و از اسناد التزامی خالی باشد، در آن صورت تعلیمی نیست؟!

31. modality

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

۳۲. برای کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ کارکرد مسئلهٔ وجهیت در سبک‌شناسی ر.ک: فتوحی رودمعجنی، ۱۳۹۰: ۲۸٤ ـ ۲۹۰ و نیز برای کسب اطلاعات بیشتر دربارهٔ نمود وجهیت در سبک‌شناسی نقش‌گرای هلیدی و کارکرد آن در تحلیل متون ادبی فارسی، ر.ک: تمیم‌داری و صدری، ۱۳۹٤.

33. Deictic sub-worlds

34. Attitudinal sub-worlds

35. Epistemic sub-worlds

۳٦. در میان این قیود، واژهٔ مگر استثنا به‌شمار می‌آید و علاوه بر قید تردید و احتمال، قید استثنا نیز در نظر گرفته شده است (ر.ک: شریعت، ۱۳۷۲: ۳۰٤). این بیت سعدی، شاهدی برای کاربرد مگر در حالت تردیدی است:

ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روزه دریابی

و نیز موارد بسیاری، این واژه قید استثنا به‌شمار آمده است. با نگاهی ژرف به این واژه درمی‌یابیم که کارکرد آن در هر دو حالت قید تردید و استثنا یکی است. این واژه برساخته از «مَ: نه + اگر» است و بدین ترتیب، ساخت‌واژهٔ اصلی آن، «اگر» است که مهم‌ترین عنصر زبانی شرط در زبان فارسی به‌شمار می‌آید. بنابراین، با نگاهی دقیق‌تر می‌توان کارکرد این واژه را در نمایانگری آن برای «عدم قطعیت» دانست؛ زیرا در هر دو حالت تردید و استثنا، «شرط» مهم‌ترین عامل تعیین رویداد است و بر اساس کیفیت شرط، تردیدی بودن و استثنا بودن آن مشخص می‌شود.

۳۷. برای کسب اطلاعات دربارهٔ ساخت و کارکرد این نوع از قیدها ر.ک: خانلری، ۱۳٤٥: ۳۰۷ ـ ۳۱۱.

۳۸. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۲۰٥ ـ ۲۰۸.

۳۹. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ کلیت واحد غزل و ساختار شبکه‌ای آن، ر.ک: زرقانی، ۱۳۹٤.

٤۰. برای اطلاعات بیشتر در باب غزل روایی ر.ک: روحانی و منصوری، ۱۳۸٦.

٤۱. مراد از متن خودسامان، متنی است که برای تعریف ماهیت خود، نیازی به ارجاع متن دیگر و قرارگیری در قالب متن بزرگ‌تر از خود نداشته باشد. به بیانی دیگر، ما این غزل را از آن جهت متن خودسامان نامیده‌ایم که برای دسترسی به آن، عبارت «تو باشم» را به‌مثابهٔ ردیف یک غزل سعدی جست‌وجو می‌کنیم و پس از یافتن آن، نیازی نداریم که آن را در یک کلان‌متن بررسی کنیم. درواقع، این متن برای تعریف خود نیاز به قرارگیری در قالب یک کلان متن دیگر ندارد (مقایسه کنید با حکایت‌های ***مثنوی*** یا ***شاهنامه***).

٤۲. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: همایی، ۱۳۸۹: ۱۸۷ ـ ۱۸۹.

43. Personificasion

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

۷. منابع

- افراشی، آزیتا (۱۳۹۵). «تحلیل داستان در نظریهٔ جهان‌های متن: مطالعهٔ موردیِ وداع اثر جلال آل احمد». ***زبان و زبان‌شناسی***. د ۱۲. ش ۲۳: صص ۱۷ ـ ۳۸.
- اونگرر، فریدریش و هانس ـ یورگ اشمیت (۱۳۹۷). ***مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی***. ترجمهٔ جهانشاه میرزابیگی. تهران: آگاه.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۲). ***گمشدهٔ لب دریا: تأملی در معنی و صورت شعر حافظ***: تهران: سخن.
- ـــــــــــــ (۱۳۸۹). ***خانه‌ام ابری است: شعر نیما از سنت تا تجدد***. تهران: مروارید.
- تمیم‌داری، احمد و نیره صدری (۱۳۹٤). «مطالعهٔ سبک‌شناختی وجه نمایی در ***گلستان*** سعدی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند». ***پژوهش زبان و ادبیات فارسی***. ش ۳۳. صص ۱٤۱ ـ ۱۸۱.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹٦). ***درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی: نظریه‌ها و مفاهیم***. تهران: سمت.
- رستار، امین (۱۳۹٤). «جهان متن: تفکر ورای متن». ***مجموعه مقالات سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان. دانشگاه جامع علمی‌کاربردی***. صص ۱ ـ ۱۵.
- روحانی، رضا و احمدرضا منصوری (۱۳۸٦). «غزل روایی و خاستگاه آن در شعر فارسی». ***پژوهش زبان و ادبیات فارسی***. ش ۸. صص ۱۰۵ ـ ۱۲۱.
- زرقانی، سید مهدی (۱۳۹٤). «ساخت شبکه‌ای غزل فارسی (مطالعهٔ موردی: غزل سنایی)». ***ادب‌پژوهی***. ش ۳۱. صص ۹۱ ـ ۱۱۵.
- سعدی، مصلح‌بن عبدالله (۱۳۸۵). ***کلیات سعدی***. به‌تصحیح محمدعلی فروغی. تهران: هرمس.
- صادقی، لیلا (۱۳۸۹). «بررسی عناصر جهان متن بر اساس رویکرد بوطیقای شناختی در کتاب ***یوزپلنگانی که با من دویده‌اند***». ***نقد ادبی***. س ۳. ش ۹: صص ۹۱ ـ ۱۱۳.
- شریعیت، محمدجواد (۱۳۷۲). ***دستور زبان فارسی***. تهران: اساطیر.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵). ***صور خیال در شعر فارسی***. تهران: آگاه.
- شمس قیس رازی (۱۳۱٤). ***المعجم فی معاییر اشعار العجم***. تصحیح عبدالوهاب قزوینی و تقی مدرس رضوی. تهران: مجلس.
- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۰). ***سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها***. تهران: سخن.
- گلفام، ارسلان و همکاران (۱۳۹۳). «کاربرد نظریهٔ جهان متن در شناسایی عناصر سازندهٔ متن روایی داستان شازده احتجاب؛ بر مبنای رویکرد شعرشناسی شناختی». ***جستارهای زبانی***. د ۵. ش ۲۱: صص ۱۸۳ ـ ۲۰٦.
- لی، دیوید (۱۳۹۷). ***زبان‌شناسی شناختی: یک مقدمه***. ترجمهٔ جهان‌شاه میرزابیگی. تهران: آگاه.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳٤٥). ***دستور زبان فارسی***. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۳). ***زبان، بافت و متن: جنبه‌هایی از زبان در چشم-اندازی اجتماعی ـ نشانه‌شناختی***. ترجمهٔ مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی. تهران: علمی.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹). ***فنون بلاغت و صناعات ادبی***. تهران: اهورا.
- یوشیج، نیما (۱۳۹۷). ***کلیات اشعار نیما یوشیج***. تهران: نیک فرجام.

References:

- Afrashi, A. (2016). A text world Analysis of a short story: The case study of Farewell [Veda'] by Jalal e Al e Ahmad. *Journal of Language and linguistics*, 12(23), 17-38. [In Persian].
- Fotoohi Rudmajani, M. (2012). *Stylistics, theories and methods*. Tehran: Sokhan. [In Persian].
- Gavins, j. (2007). *Text world theory: An introduction.* Edinburgh: Edinburgh University press.
- Golfam A., Rowshan B. &Shirreza, F. (2014). The application of text world theory to recognize narrative elements in Shazdeh Ehtejab: A cognitive poetics approach.

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021

Language Related Research. 2015; *5 (5)*:183-206. [In Persian].

- Halliday, M.A.K. &Hasan, R. (2014). *Language, context, and text: Aspects of language in a social-semiotic perspective.* Translated by M.Monshizadeh and T.Ishani. Tehran: Elmi. [In Persian].
- Homaei, J. (2010). *Rhetorical literary techniques*. Tehran: Ahoora. [In Persian].
- Lee, D. (2018). *Cognitive linguistics: An introduction*. Translated by Jahanshah Mirzabeygi. Tehran: Agah. [In Persian].
- Natel Khanlari, P. (1966). *Persian grammar*. Tehran: Bonyad Melli Farhang.[In Persian].
- Poornamdarian, T. (2003). *Lost in shore of Sea: A reflection on the meaning and form of Hafez's poetry*. Tehran: sokhan.[In Persian].
- Poornamdarian, T. (2010). *My house is cloudy: Nima's poetry from tradition to modernity*. Tehran: Morvarid. [In Persian].
- Rasekhmahand, M. (2017). *An Introduction to cognitive linguistics*. Tehran: SAMT.[In Persian].
- Rastar, A. (2015). Text world: Thinking beyond text. P*roceedings of the 3ed International Conference on Applied Research in Language Studies.* University of Applied Science, 1-15.
- Ruhani, R. & Mansuri, A (2007). Narrative Ghazal (sonnet) and its origin in Persian poetry. *Journal of Research in Persian Language and Literature*. *8*, 105-121.[In Persian].
- Saadi, M. (2006). *Collected work.* Edited by Mohammad Ali Foroughi. Tehran: Hermes.
- Sadeghi Esfehani, L. (2010). The elements of "text world's theory" in cognitive poetics approach in "the panthers who have run with me" by Bijan Najdi. LCQ.; *3,*115-142.
- Semino, E. (2014). *Language and world creation in poem and other texts*. New York: Routledge.

- Shafiee kadkani, M. (1996). *Imagery in Persian poetry*. Tehran: Agah.[In Persian].
- Shams- e Gheys- e Razi, (1935). *Almojam Fi Maaeer-e ashar-e al- ajam*. Edited by ghazivni and modares razavi. Tehran: Majles.
- Shariat, M. (1993). *Persian grammer*. Tehran: Asatir.[In Persian].
- Stockwell, P. (2002). *Cognitive poetics: An introduction*. London: Routledge.
- Stockwell, P. (2009). *Texture: A cognitive aesthetics of reading*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Tamimdari. A, Sadri, N. (2014). The stylistic study of modality in "*Golestan*" in the framework of systemic functional grammar. *Journal of Research in Persian Language and Literature*, *10*, 141- 181.[In Persian].
- Tsur, R. (2008). *Toward A theory of cognitive poetics*: Second, expanded and updated edition. London: Sussex academic press.
- Ungerer, F. & Schmid, H. (2019). *An Introduction to cognitive linguistics*. Translated by Jahanshah Mirzabeygi. Tehran: Agah.[In Persian].
- Youshij, N. (2018). *Collected work*. Tehran: Nikfarjam.[In Persian].
- Zarghani, S. (2015). The complex structure of Persian classical Ghazal: The case of Sanā'i. *Journal of Adab Pazhuhi*, *9*(31), 91-115.[In Persian].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Downloaded from lrr.modares.ac.ir at 9:48 IRDT on Sunday April 11th 2021